

زلمی خلیلزاد، راه ورود افغان ها به اداره ترامپ

سرمقاله

نقاط استراتژیک

در جنگ علیه تروریسم

محمد رضا هویدا

در نبود استراتژی کارآمد جنگ علیه تروریسم، امسال گروه تروریستی داعش، علاوه بر گروه های دیگر تروریستی، عملاً وارد جنگ علیه دولت و مردم افغانستان شده است. فجاج متعددی در ولایات مختلف کشور توسط افراد این گروه با اجرای حملات انتحاری صورت گرفته، و قربانیان زیادی از مردم بی دفاع افغانستان گرفته است. اما در قدم اول، نهادهای امنیتی کشور، باید متوجه شده باشند، که با دشمنی روبرو هستند که بنیان و اساس جامعه افغانستان را هدف قرار داده و برای رسیدن به هدف از هیچ جنایتی دریغ نمی کند. لذا ما در جنگی تمام عیار با تروریسم در چهره داعش، شبکه حقانی و... قرار داریم و بدین جهت تدابیر امنیتی سست، ناکافی و ضعیف در مقابل آن ناکافی بوده و از وقوع حوادث و فجاج بعدی جلوگیری نخواهد کرد. هشیاری نهادهای و نیروهای امنیتی باید در بالاترین حد خود باشند. دیگر اینکه، تمامی افراد و آحاد مردم افغانستان باید در همکاری با نهادهای و نیروهای امنیتی، علیه تروریسم وارد عمل شوند. هر فرد می تواند با هشیاری و کمک به نیروهای امنیتی، با اتخاذ تدابیر جدی در مراسم ها و مناسک مذهبی، با خیر دادن به نهادهای امنیتی مسئول، و روشها و راه های متفاوت علیه تروریست ها وارد عمل شوند. مطمئناً همکاری مردم با نیروهای امنیتی، و با خودشان صحنه را بر تروریست های آدم کش تنگ خواهد کرد.

تروریسم در چهره داعش، شبکه حقانی، القاعده و... نقاط استراتژیک جامعه افغانی را هدف قرار داده است. درک این نکته که تروریست ها به دنبال چه هدفی هستند، ما را کمک خواهد کرد تا بهتر در مقابل آنها مبارزه کنیم. بعد از آنکه جنگ به شمال کشور کشیده شد، و مناطق وسیعی از شمال کشور در آتش جنگ می سوزد، جنگ به نحوی فراگیر شده و تروریست ها احساس می کنند به اهداف شان نزدیک تر شده اند. شبکه های تروریستی خود را در نزدیکی مرزهای کشورهای آسیای مرکزی می بینند و در عین حال ولایات و ولسوالی های بیشتری را در شمال کشور بی ثبات ساخته اند.

گام دیگری که از مدتی بدین سو از سوی گروه های تروریستی پیگیری شده، ایجاد اختلاف های گوناگون میان مردم افغانستان است. بارها در ولایات مختلف کشور اختلافات قومی دامن زده شده و تلاش شده تا اقوام مختلف با یکدیگر درگیر شوند. مردم افغانستان با درایت کافی و لازم، در این دام گرفتار نشده و سعی کرده اند تا وحدت خویش را حفظ کرده و راه را بر تروریست ها ببندند. از سوی دیگر از حادثه حمله بر عذر داران در روز عاشورا در سالهای گذشته تا جدیدترین آن، مویی از تلاش های تروریست ها برای ایجاد اختلاف مذهبی میان مردم افغانستان به نمایش گذاشته شده است. ایجاد اختلافات مذهبی، قومی، دینی، زبانی و ستمی میان مردم افغانستان، در طول تاریخ این کشور، بیشترین ضربه را به مردم زده است. اگر دشمن بتواند سنگر اتحاد و همدلی مردم افغانستان را فتح کند و با ایجاد تفرقه و اختلاف به هدف خود برسد، یقیناً فتح بقیه سنگرها برای آنها آسان و راحت خواهد بود.

دولت افغانستان، جامعه مدنی، نهادهای مذهبی، نهادهای امنیتی و نظامی با توجه به اهمیت و استراتژیک بودن این نقطه باید تلاش کنند تا دشمنان زمینه ایجاد اختلاف در میان مردم را پیدا نتوانند. سهل انگاری در این زمینه نه قابل توجیه است و نه جبران. دولت، نهادهای امنیتی، جامعه مدنی، نهادهای فرهنگی و مردم افغانستان در صورتی که در کنار هم باشند و بر علیه تروریسم در همه چهره ها، چه داعش و حقانی و... اقدام کنند، شکست تروریسم حتمی است. مهم این است که فریب دسیسه ها و دام های تروریسم را نخوریم و از افتادن در دام اختلافات بپرهیزیم.

نام فرستاده با عکسی بسیار جذاب از او به چاپ میرسد، زلمی خلیلزاد امریکایی افغانی الاصل است که به عنوان سفیر ایالات متحده در افغانستان، عراق و سازمان ملل ایفای وظیفه نموده است. بعد از سقوط طالبان در سال ۲۰۰۱ بسیاری از مردم روی زلمی خلیل زاد به عنوان عالیترین مقام امریکایی افغانی الاصل حساب می کردند. او را کسی می دانست که وزیر دفاع امریکا را به چالش می کشید. زمانی وزیر دفاع به کنایه به وی گفت «دست از چوکی بایسکل بردار و بگذار افغان ها خودشان برایشان برنامه بریزند، او با عصیانیت جواب داد جناب وزیر هیچ بایسکلی وجود ندارد». زلمی خلیلزاد جوان افغانی که سال ها پیش کشورش را ترک کرده بود و حال شصت و پنج سال عمر دارد هیچ کس تصور نمی کرد او در سال ۲۰۰۳ بعنوان سفیر واشنگتن به کابل بیاید. زلمی خلیلزاد ایده های قوی برای ساختن یک حکومت مردمی بعد از سقوط طالبان داشت، او شخصیت قوی و اراده نیرومندی برای پیشبرد کارها داشت. دو سال اول از مسئولیت وی پر تنش بود به این دلیل که وی آشکارا در به قدرت رساندن حامد کرزی تلاش می کرد، او به حامد کرزی دستور می داد که جنگ سالاران مخالف طالبان را در قدرت سهیم بسازد، همیشه حکومت در افغانستان ارثی، خاندانی و تحت تسلط پشتون ها بود، سهم دادن به سایرین چیزی نبود که خوشایند آنها باشد و این یکی از چالش های آن دوران بود. از او به نام نایب السلطنه امریکا در افغانستان یاد می کردند. امروز، ممکن است زلمی خلیلزاد به عنوان وزیر امور خارجه یا ممکن به عنوان مشاور سیاست خارجی اداره ترامپ منصوب گردد افغان ها به این پتانسیل امیدوار هستند که حال یکی از مقامات افغانی الاصل در اداره ترامپ باعث ادامه کمک های مالی و نظامی به این کشور جنگ زده و فقیر گردد. عبدالحمید مبارز نویسنده و یکی



نویسنده : پامیلا کنستابل / ترجمه: جانعلی شکرعلیزاده

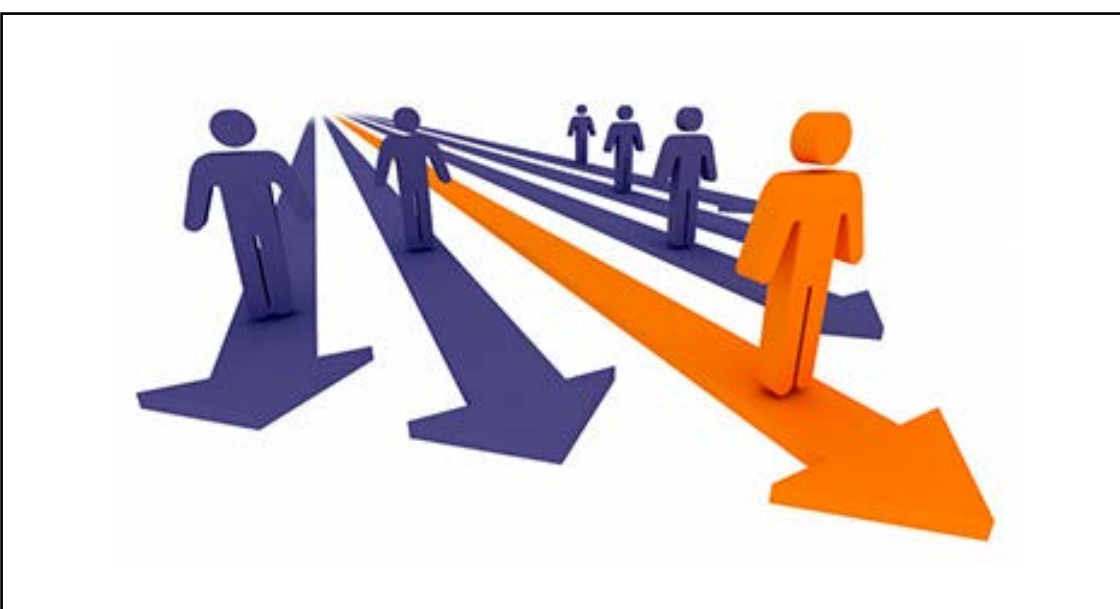
از مقامات پیشین وزارت فرهنگ و اطلاعات در دوره حامد کرزی می گوید زلمی خلیلزاد عمیقاً به امریکا و افغانستان دلبستگی دارد او می تواند تعادلی بین افغانستان و سیاست امریکا در این بخش از جهان برپاورد. او نقش تعیین کننده ای در تشکیل حکومت پس از طالبان داشت، پروسه سختی را مدیریت کرد و البته کاستی هایی هم داشت که تعدادی از زورمندان را دوباره به قدرت رساند. مبارز هم مانند سایر کارشناسان افغان و مقامات پیشین امیدوار است که خلیلزاد بتواند به امریکا کمک کند که سیاست اش را دربارۀ پاکستان تغییر دهد و امریکا را از پاکستان دور سازد. به عقیده بسیاری از افغان ها پاکستان شریک امریکا در مبارزه با تروریسم، خود منبع تولید و پرورش تروریسم است. پاکستان بخشی از مشکل است. امیدواریم که زلمی خلیلزاد بتواند این رویه پاکستان را به امریکایی ها واضح سازد که هم به نفع ثبات افغانستان هست هم به نفع امریکا. محمد داود کلکانی از قانون گذاران افغانستان در کابل می گوید افغان ها از انتخاب شدن

خلیلزاد در هر سمتی به شمول مشاور سیاست خارجی امریکا در واشنگتن استقبال خواهد کرد. خلیلزاد فردی با ابتکار، با دانش و درک درستی از مسایل منطقه دارد، او آشنایی با تمام گروه های افغان دارد، او یکی از منتقدان سر سخت پاکستان است که معتقد است پاکستان به تروریستان سرپناه و سلاح میدهد. بعضی از کارشناسان می گویند این خوش باورانه است که فکر کنیم سیاست مداران امریکا تعادلی در روابط منطقه ایجاد کند و اگر پاکستان در مبارزه با تروریسم با امریکا همکاری نکند دیگر پاکستان برای امریکا مهم نخواهد بود. بیاد داشته باشیم که افغانستان در کمپین های انتخابات امریکا مورد بحث واقع نشد و احتمالاً افغانستان در اجندای اداره ترامپ در اولویت نخواهد بود. اما احمد رشید کارشناس مسایل افغانستان و طالبان می گوید او انتظار دارد که ترامپ به نگرانی های جامعه بین المللی در مورد حمایت پاکستان از طالبان واکنش نشان دهد چنانچه که او گفت ما پاکستان را زیر نظر داریم، ما قویتر از اوایما

پاکستان را زیر نظر خواهیم داشت. امریکا در حدود ده هزار نیرو در اینجا دارد و بعضی از منتقدان سر سخت خلیلزاد افغان ها نگران این هستند که اداره ترامپ با آنها نگرانند که در صورت قطع حمایت مالی و آموزشی نیروهای افغان آنها توان مقابله با طالبان را نخواهند داشت. آنها امیدوارند که زلمی خلیلزاد، اداره ترامپ را متقاعد کنند که نیروهایشان در افغانستان باقی بماند. هر چند ترامپ در طول کمپین مبارزات انتخاباتی اش گفت که احتمالاً ما سربازان مان را در افغانستان نگه می داریم افغانستان جایی است که ما باید در خاورمیانه حضور داشته باشیم به خاطر اینکه درست در کنار این کشور پاکستان اتمی قرار دارد. او در مصاحبه با فاکس نیوز در بهار امسال گفت ما باید آنجا بمابیم و بهترین کاری که می توانیم بکنیم همین است نه به خاطر اینکه آنجا جایی خوبی است بلکه به خاطر اینکه چاره دیگری نداریم. اشرف غنی رییس جمهور افغانستان که با اداره اوایما روابط نزدیک داشت پیروزی ترامپ را به وی تبریک

نوآوری در کشورهای در حال توسعه

علیرضا استکی



سست شدن پیوندهای اجتماعی، شرایط لازم برای بروز خلاقیت در جامعه سخت تر می شود. زیرا فرصتی برای تفکر کردن وجود نخواهد داشت.

تعریف علمی نوآوری
نوآوری از جمله مفاهیمی است که در اکثر جلسات و محافل علمی از آن استفاده می شود ولی آیا مفهوم آن به درستی درک گردیده است، در اذهان عامه خلاقیت و نوآوری به یک مفهوم تلقی می گردند با وجود اینکه این دو مفهوم مترادف نیستند، در حقیقت نوآوری نتیجه خلاقیت می باشد، به بیان دیگر خلاقیت یک ایده و یک تفکر است در حالی که نوآوری به کار بستن آن تفکر است. در ادامه به تعاریف این دو مفهوم اشاره گردیده است:

خلاقیت (Creativity): خلاقیت، اشاره به قدرت ایجاد اندیشه های نو دارد. خلاقیت، عبارت است از درخشش یک اندیشه و به وجود آمدن نظر و ایده های نو، از نظر معنی، خلاقیت بیشتر در جنبه های فکری و نظری و به اصطلاح فعالیت های ذهنی و طراحی، مطرح است.

نوآوری (Innovation): به معنی کار تازه کردن در روحیه توجویی و دگرگون ساختن است. شرایط لازم و کافی برای اینکه کارایی، خدمتی یا روشی نوآوری قلمداد شود، این است که اولاً نو باشد و ثانیاً کاربرد آن تغییر قابل توجهی در وضعیت موجود و تأثیری اساسی در انجام کارها در پی داشته باشد.

نوآوری یکی از موضوعات مورد توجه بشر است، به طوری که پیشرفت علم و تکنولوژی بر پایه نوآوری های بشر در طول زمان بوده است. - کانتر (R.Kanter)

تعارف نوآوری، بر فرآیند آن تأکید دارد و نوآوری را فرایند گردآوری هر نوع ایده جدید و مفید برای حل مسئله می خوانند و معتقد است که نوآوری شامل شکل گرفتن ایده، پذیرش و اجرای آن است.

کوئین (J.Quinn)، نوآوری را اولین تحویل و تبدیل یک ایده به عمل در یک فرهنگ تعریف می کند.

شومپتر (J.Shumpeter)، در آثارش، نقش بر تحرک و حایز قدرت نوآوری را در صحنه تولید، برجسته ساخته است. شومپتر، نوآوری را به منزله استقرار کارگردهای نو در تولید می داند.

- از نظر پسر (F.Perroux) نوآوری از این صفات را، ایس چنین تعریف می کند: توان خلق و آفرینش اقتصادی، یعنی مجموع فعالیت هایی که پدیده های نو و کارآرا برانگیزند و به کار گیرند. توان خلق و آفرینش اقتصادی، یعنی نشر نوآوری و نتایج آن در همه سطوح حیات اقتصادی.

داترالمعارف رفتار سازمانی، نوآوری را در حلق و بسط کارگیزی ایده های جدید، تعریف می کند. این ایده جدید، ممکن است، مربوط به نوآوری در زمینه تکنولوژی یا فرآیند کار باشد. ایده ممکن است ترکیب جدید از ایده های قدیمی و یا طرحی باشد که نظم فعلی را زیر سؤال برده، فرمول یا دیدگاهی نو و جدید را ارائه دهد.

موانع و چالشهای موجود در گسترش نوآوری
در عرصه صنعت و تکنولوژی سالانه محصولات زیادی با قابلیت های جدید به بازار عرضه می گردد که اکثر این

محصولات متعلق به کشورهای توسعه یافته می باشد و این در حالی است که کشورهای در حال توسعه همچنان محصولات دهه های گذشته را با همان قابلیت های قبل تولید می نمایند. به وجود بازارهای رقابتی و نیاز بشر به رشد و توسعه در زمینه های اقتصادی و اجتماعی موجب توجه خاص جوامع و به خصوص سازمانها به نوآوری شده است. اقتصاد دانان و دانشمندان علت پایین بودن رشد اقتصادی سازمانها را عمدتاً در ضعف نوآوری می دانند نه کمبود سرمایه و منابع مالی. با وجود اینکه نوآوری یکی از ارکان مهم برای ادامه حیات سازمان ها است، اکثر سازمانها به خصوص سازمانهای موجود در کشورهای در حال توسعه در اجرای آن دچار مشکلات عدیده ای هستند.

موانع و چالشهای موجود در گسترش نوآوری را می توان به دو بخش عمده تقسیم نمود:

۱) عوامل فرهنگی

آنچه در تحقق نوآوری اهمیت دارد، بومی سازی و نشر آن در سطوح مختلف سازمان می باشد که این امر همواره از مشکلات عمده در راه عمومی ساختن نوآوری در سطح ساختارهای مختلف از جمله سازمانهاست چرا که انسانها عناصر تشکیل دهنده سازمانها هستند. اگر چه حقیقت دارد که ما بیش از هر زمان دیگر در عصر تغییر و نوآوری زندگی می کنیم اما ساختار اجتماعی حاکم بخصوص در برخی از کشور های جهان رسوم غالباً مانع جاری شدن نوآوری ها می گردد.

عوامل فرهنگی را می توان به دسته های زیر تقسیم نمود:

- ناسازگار بودن نوآوری با باورهای اجتماعی و فرهنگی افراد سازمان

- وجود هنجارها و روابط غیر رسمی میان اعضا سازمان

- عدم وجود دیدگاه انتقادی و میل به حفظ و تثبیت جایگاه سازمانی

۲) عوامل ساختاری و محیطی

عوامل ساختاری و محیطی خود به دسته های زیر تقسیم می شود:

- به روز نبودن علم در عرصه های مختلف وجود سلسله مراتب در سازمانها موجب می شود پیام ها در حین عبور از کانالهای موجود دچار تحریف گردند

- عدم انتقال اطلاعات درست و پنهان سازی آن به علت ترس از زلزله در موقعیت کاری

- عدم اعتماد رده های پایین و متوسط سازمان به رده های بالا و بالعکس

- ایجاد نظام استبدادی در سازمانها و عدم وجود انگیزش در کارکنان

- عدم مشارکت دادن کارکنان و توجیه آنان در مزایای ناشی از نوآوری

- عدم وجود سیستمی جهت ارزیابی نتایج نوآوری

کار تون روز

افزایش تلفات نیروهای امنیتی

بنیان گذار: دکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سرمدیر: حفیظ الله زکی
کاریکاتورست: خالق علی زاده

دیزاین: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷-۱۴۷